

مروری بر قرآن‌نگاری در دربار امپراتوران گورکانی هند و بررسی دو اثر انر گنجینه قرآن آستان قدس رضوی

مهدی صحراگرد*

چکیده:

امپراتوران گورکانی هند از جمله حامیان مهم فرهنگ و هنر اسلامی بودند که رابطه تنگاتنگی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با صفویان برقرار کردند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد امپراتوران گورکانی هند، ضمن حمایت از فرهنگ و هنر ایرانی، به مصحف‌نگاری نیز توجه می‌کردند. برخی از شاهان این سلسله آثاری را بر اماکن مختلف ایران وقف کردند که یکی انر آنها مصحفی است به خط زین‌العابدین شیرازی که از سوی جهانگیر بر حرم امام رضا (علیه‌السلام) وقف شده است. در گنجینه قرآن آستان قدس رضوی مصحفی دیگرنگهداری می‌شود که آن را بابر، بنیانگذار سلسله گورکانیان هند، به خط ابداعی خویش کتابت کرده است. در این نوشتار پس از بررسی مختصر چگونگی مصحف‌نگاری در دربار امپراتوران گورکانی، ویژگی‌های هنری دو اثر یاد شده نیز بررسی می‌شود.



* گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

۱. او در سال ۸۸۸ هجری قمری به دنیا آمد و پس از ۲۸ سال سلطنت در سال ۹۲۷ هجری قمری در ۴۹ سالگی درگذشت.
۲. نسب بابر چنین است: بابر فرزند عمرشیر میرزا، فرزند ابوسعید، فرزند سلطان محمد میرزا، فرزند میران شاه، فرزند امیر تیمور گورکانی صاحبقران.
۳. این رساله در سال ۹۹۷ به دستور اکبرشاه به فارسی ترجمه شد.
۴. اصل متن بدایونی که در شرح حال عبدالحی آورده چنین است: «چندگاهی صدر پادشاه غفران پناه همایون بن بابر پادشاه و برادرش میر عبدالله قانونی از جمله ندیمان خاص و اهل اختصاص بود. و هر دو برادر به تقوی و طهارت و نظافت متصف بودند میرعبدالحی خط بابری را که بابر پادشاه اختراع نموده و مصحف بدان نوشته به مگه معظمه فرستاده و اثری از آن خط امروز باقی نیست، خوب می دانست.» (بدایونی، ۱۸۲۸م: ۳۴۳)



تصویر ۱. صفحه‌ای از مصحف بابری. مصحفی که بابر به خط اختراعی خویش نوشت، محل نگهداری: گنجینه قرآن آستان قدس رضوی، مأخذ تصویر: گلچین معانی، ۱۳۴۷: ۱۷۹.

در این مجموعه مصحفی دیگر نیز نگهداری می‌شود که به خط ابداعی بابر، بنیانگذار این سلسله است و دو ویژگی متمایز دارد: یکی اینکه آن را بابر خود شخصاً کتابت کرده و دیگر اینکه خط به کار رفته در کتابت آن خطی رمزی و ابداعی است؛ البته این اثر را شاه سلطان حسین صفوی بر حرم امام رضا (علیه السلام) وقف کرده است.

این نوشتار به بررسی ویژگی‌های هنری این دو اثر مربوط است؛ اما پیش از آن مختصراً به سابقه مصحف‌نگاری در دربار امپراطوران گورکانی هند می‌پردازیم:

مروری بر سابقه مصحف‌نگاری در دربار امپراطوران گورکانی هند

در سلسله گورکانیان هند، در مجموع هفده نفر به سلطنت رسیدند که شش نفر از آنان یعنی بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ‌زیب، مقتدرترین پادشاهان این امپراطوری بودند. بنیانگذار این سلسله بابر است.^۱ نام اصلی او ظهیرالدین محمد، از نوادگان تیمور بود. به همین علت عنوان اصلی این سلسله با نام گورکانی شناخته می‌شود.^۲ گفته‌اند او خوش‌دل و اهل فضل و ادب بود و در موسیقی صاحب استعداد و در شاعری توانا. او که دانشمندان و شاعران را تربیت و تشویق می‌کرد، خود نیز تألیفاتی دارد که از جمله آن منظومه‌ای است در کلام و فقه حنفی به زبان ترکی، رساله‌ای در عروض، و نیز کتاب *بابرنامه* یا *تروک بابری* که درباره زندگی خویش نگاشته است.^۳ (علیشاه رضوی، ۱۳۸۷: ۷۵ و ۷۶).

بابر به خوشنویسی بسیار علاقه‌مند بود. همو بود که خطی مشکل‌نویس اختراع کرد که به خط بابری معروف است. بدایونی در این باب گوید: «اخر جمله غریب و اختراعات آن شاه مغفرت پناه خط بابری است که مصحفی بدان خط نوشته و به مگه معظمه فرستاد» (بدایونی، ۱۸۲۸م: ۳۴۳). گویا این خط فقط خود بابر و میرعبدالحی مشهدی می‌توانستند بخوانند. از همین رو در سال ۱۰۰۴ هجری قمری کسی نبود که بتواند این خط را بخواند و بنویسد (هروی، ۱۳۷۲: ۱۵). او به جز نسخه‌ای که به این خط نوشت و میرعبدالحی مشهدی آن را به مگه فرستاد، نسخه‌ای دیگر نیز نوشت که اکنون به شماره ۵۰ در گنجینه قرآن آستان قدس رضوی موجود است و شاه سلطان حسین صفوی آن را در سال ۱۰۰۹ هجری قمری به آستان امام رضا (علیه السلام) وقف کرده است (تصویر ۱). مایل هروی نسخه مگه را به خط عبدالحی می‌داند (مایل، ۱۳۷۲: ۱۵) که درست نمی‌نماید زیرا با دقت در گفته بدایونی مشخص می‌شود هر دو مصحف را بابر نوشته است.^۴ بدایونی در این باره گوید:

مقدمه
سلسله گورکانیان هند از سال ۹۳۲ هجری قمری تا سال ۱۲۷۳ هجری قمری در بخشی از شبه قاره هند حکومت کردند. بابر، بنیانگذار این سلسله، از نوادگان تیمور گورکانی بود و نسب مادرش نیز به چنگیز می‌رسید. به همین علت این سلسله را به نام گورکانیان نامیده‌اند. گورکانیان همانند تیموریان به فرهنگ و هنر بسیار علاقه‌مند بودند و در دوران حکومت سیزده و چهل ساله‌شان بر سرزمین هند، به حمایت از هنرمندان و شاعران خربانزد شدند. شهرت آنان در این زمینه به حدی رسید که بسیاری از هنرمندان و شاعران ایران به هوای یافتن حامی‌ای سخاوتمند راهی آن دیار شدند و فرهنگ و هنر ایران را در آن سرزمین گسترش دادند. گورکانیان بیش از همه به فرهنگ و هنر ایران علاقه‌مند بودند. مثلاً همایون که مدتی را در ایران گذراند، به فارسی و ترکی شعر می‌سرود و در آموختن نستعلیق همت گماشت، اکبر شاه به مرغم نسب ترکی، زبان فارسی را زبان رسمی دولتش اعلام کرد و نریب النساء، دختر اورنگ نریب، دیوان شعری به فارسی دارد. روابط فرهنگی ایران عصر صفوی و گورکانیان هند بسیار تنگاتنگ بود اما به طور کلی گسترش فرهنگ و هنر ایران در هند دو سرچشمه کلی داشت: یکی هنرمندانی که با مهاجرت به هند شیوه‌های هنری ایران را به آن منطقه منتقل کردند و دیگری آثار هنرمندان مشهور ایرانی که به شاهان و درباریان هند پیشکش یا فروخته می‌شد.

درباره چگونگی روابط هنرمندان و شاعران ایرانی با پادشاهان این سلسله سخن بسیار رفته و موضوع روابط ایران و هند در این دوره بارها مورد تأمل قرار گرفته است. اما یکی از نکاتی که کمتر بدان پرداخته‌اند، توجه به این نکته است که این رابطه همیشه یک سویه نبود و فقط آثار هنری از ایران به هند سرازیر نمی‌شد؛ بلکه گاه پیش می‌آمد که امپراطوران و درباریان گورکانی نیز آثاری را به قصد پیشکش یا وقف بر مکانی مقدس به ایران بفرستند. از آن جمله می‌توان اثر وقف مصحفی بر مزار شیخ احمد جام از سوی اورنگ زیب و وقف مصحفی اثر جهانگیر بر حرم امام رضا (علیه السلام) یاد کرد. اگرچه شمار این آثار ناچیز است و بسیاری از آنان اکنون در دست نیست، همین اندک آثار به جا مانده نیز نشان اثر کوشش آنان برای دوسویه کردن این روابط دارد.

در گنجینه قرآن آستان قدس رضوی مصحفی نفیس به خط زین‌العابدین شیرازی، از خوشنویسان مهم قرن نهم هجری نگهداری می‌شود که جهانگیر، امپراطور مقتدر گورکانی هند، آن را بر حرم امام رضا (علیه السلام) وقف کرده است. این مصحف از نظر خط و تزئین، از نمونه‌های کم نظیر قرن نهم هجری است و شناسایی ویژگی‌های آن، نکات شایان توجهی از سبک کتابت و تذهیب نسخه‌های قرآنی قرن نهم را روشن می‌کند.

که به نظر می‌رسد هر یک نشانه‌ای اثر حرفی به‌خصوص باشد. نسخه فاقد تزیینات ویژه است. علایم شمارنده آیات نیز به شکل چند علامت مخصوص با رنگی متفاوت از متن در حاشیه نسخه در بیرون جدول متن نوشته شده است. همچنین علایم فصل آیات نیز دایره‌های گرد رنگی ساده و فاقد تزیین است.

شاه سلطان حسین صفوی در سواد وقف‌نامه، کتابت این مصحف را به امام رضا (علیه‌السلام) منسوب کرده است. این انتساب از بی‌اطلاعی او از کیفیت خط بابری و خطوط اولیه اسلامی حکایت می‌کند.^۵

مهم‌ترین خوشنویس دربار بابر، میرشیخ اول کرمانی بود که تمام خطوط شش‌گانه را نیکو می‌نوشت. افزون بر این، بابر به خط میرعلی هروی (متوفی ۹۵۱ ه.ق) بسیار علاقه‌مند بود. البته این دو نفر با هم در ارتباط بودند زیرا میرعلی قطعاتی می‌نوشت در مدح بابر و به هند می‌فرستاد (شیمل، ۱۳۸۲: ۱۰۲). گمان می‌رود آنان پیش‌تر در هرات - هنگامی که بابر برای وفات سلطان حسین بایقرا به هرات رفته بود - یکدیگر را ملاقات کرده بودند و این آشنایی سابقه‌ای دیرینه داشت.

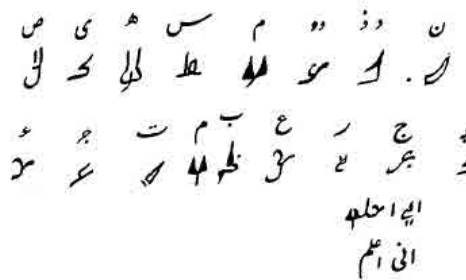
از دوره اکبر و همایون، شواهدی روشن در خرمنینه مصحف نگاری در دست نیست. فقط یادداشت‌هایی در چند اثر بر حمایت اکبر از مصحف‌نویسی صحه می‌گذارد.^۶ شواهدی مکتوب در کتب تاریخی نیز بر این گفته صحه می‌گذارد از جمله اینکه در اکبرنامه ابوالفضل یادآوری می‌کند که اکبر کوشید خوشنویسان برجسته ایرانی را در دربار خویش گردآورد. این نویسنده از هجده خوشنویس یاد کرده که در دربار اکبر کار می‌کردند. یکی از آنها سیدی حسینی اثر اهالی مشهد است که سرآمد همه شیوه‌ها بود. گویا او خوشنویس هفت‌قلمی بود و نستعلیق را در هند تکامل بخشید. تقریباً تمام فرمان‌های نوشته شده در هندوستان به قلم او بوده است (شیمل، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

جهانگیر، فرزند ارشد اکبر، در سال ۱۰۱۴ ه.ق در سی و هفت سالگی بر تخت سلطنت نشست. نام اصلی او سلیم بود و در هنگام تاج‌گذاری لقب جهانگیر را برای خود برگزید. او نیز مانند پدر در آبادانی کشور سخت کوشید و در سال ۱۰۳۶ ه.ق در لاهور به خاک سپرده شد (علیشاه رضوی، ۱۳۸۷: ۸۶).

از دوره جهانگیر نیز اطلاعی از وضع کارگاه هنری دربار در زمینه قرآن‌نگاری، در دست نیست و آگاهی‌های کنونی بیشتر منحصر به وقف‌نامه‌ها و نوشته‌هایی است که بر آثار خوشنویسان پیش از این دوران مربوط است. از آن جمله مصحفی است به خط یاقوت مستعصمی که به سال ۱۰۲۳ ه.ق به کتابخانه جهانگیر راه یافته است. گویا جهانگیر نسخه‌های این چنین را ترجیح می‌داد که به دیگران هدیه دهد زیرا در این نسخه یادداشت دیگری است که نشان می‌دهد شاه، نسخه یاقوت را در

«چندگاهی صدر پادشاه غفران پناه همایون بن بابر پادشاه و برادرش میر عبدالله قانونی اثر جمله ندیمان خاص و اهل اختصاص بود و هر دو برادر به تقوی و طهارت و نظافت متصف بودند. میرعبدالحی خط بابری را که بابر پادشاه اختراع نموده و مصحف بدان نوشته به مگه معظمه فرستاده و اثری اثر آن خط امروزی باقی نیست، خوب می‌دانست.» (بدایونی، ۳۴۳)

این اثر مدت‌ها در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ بود و کسی از نوع خط و کاتب آن اطلاعی نداشت. حتی به گفته احمد گلچین معانی چند مرتبه تصویری از صفحات آن را برای بررسی و کشف نوع خط مورد استفاده آن برای خط‌شناسان و متخصصان غربی نیز ارسال کردند اما نتیجه‌ای حاصل نشد. در ضمن این بررسی‌ها، قاسم غنی پیش از شناسایی کاتب و نوع خط آن، مفتاح حروفش را استخراج کرد (تصویر ۲) اما احمد گلچین معانی بر اساس



تصویر ۲. مفتاح حروف مصحف بابری. استخراج اثر قاسم غنی، مأخذ تصویر: گلچین معانی، ۱۳۴۴: ۶۲.

۵. متن وقف‌نامه شاه سلطان حسین در این منبع آمده است: گلچین معانی، ۱۳۴۷: ۱۸۱.

۶. از جمله اینکه در رقم یکی از قرآن‌های این دوره که اکنون در موزه بریتیش نگهداری می‌شود، آمده که هیبت‌الله حسینی این مصحف را به سال ۹۸۱ ه.ق در شهر لاهور برای استفاده سلطان کتابت کرد (Jing, ۱۹۷۶: ۷۹). این مطلب گویای حمایت مستقیم اکبر از مصحف‌نویسی است؛ نسخه‌ای که مستقیماً از سوی اکبر برای استفاده شخصی سفارش داده شده است. از سوی دیگر، ویژگی‌های این مصحف از نظر نحوه کتابت و تذهیب، آن را به آثار شیراز در قرن دهم بسیار شبیه کرده است. این مطلب نشان‌دهنده نکته بسیار با اهمیتی است و آن اینکه احتمالاً در این دوره مرکز هنری یا کارگاهی به شیوه کارگاه‌های ایران تحت حمایت اکبر فعالیت می‌کرد که می‌توان آن را شعبه‌ای از شیراز به شمار آورد (بیانی، ۱۳۸۲: ۱۷۱). همچنین نسخه‌ای دیگر به خط کوفی منسوب به عثمان، سومین خلیفه راشدین در دست است که آن نیز دست‌نوشته‌ای دارد که مصحف را به کتابخانه اکبر منسوب می‌کند. این نوشته به تاریخ ۹۹۲ ه.ق مهر اکبر و قیمت هشت اشرفی دارد (بیانی، ۱۳۸۲: ۱۷۲) که گویای این نکته است که اکبر افزون بر اینکه خود به کتابت مصحف می‌فرمود به خریداری نسخه‌های کهن نیز مبادرت می‌ورزید.

نقل قول‌هایی که در منابع مختلف درباره خط ابداعی بابر آمده این اثر را از او می‌داند که صحیح می‌نماید. بابر مصحف محفوظ در آستان قدس را بر کاغذ کشمیری نوشته و نام سوره‌های آن به زر، فواصل آیات زر نشان و نیز کتابت صفحه نخست آن نیز به زر است. هر صفحه هفده سطر دارد (معانی، ۱۳۴۷: ۱۷۸).

با دقت در رسم‌الخط این مصحف، مشخص است که خط آن دربردارنده حرکت‌های افقی، عمودی و مورب است و کلاً در آن هیچ دوری مشاهده نمی‌شود؛ اما به‌رغم نظر مایل هروی که خط آن را بر گرفته اثر خط کوفی و خطوط باستانی هند می‌داند (مایل، ۱۳۷۲: ۱۵) هیچ نشانه مشخصی اثر خط کوفی در آن نیست، فقط آنچه سبب شده در نظر نخست این رسم‌الخط به کوفی بماند، این است که حرکت‌های افقی و عمودی و مورب، ظاهری مسطح به خط داده و همین امر آن را به کوفی شبیه کرده است. افزون بر این، اعراب و اعجام این رسم‌الخط به خط عربی شبیه است و اثر این حیث با آن اشتراکاتی دارد. شکل برخی از حروف به نقوش تزیینی شبیه است. به‌خصوص شکلی با نوک تیز که به سروی یا یک خط در وسط شبیه است، در تمام کلمات به چشم می‌خورد. این شکل گاه عمودی و گاه متمایل به چپ و راست است

سال ۱۰۲۹ هـ ق به خواجه حسن جویناری اهدا کرده است (بیانی، ۱۳۸۲: ۱۷۲).

همچنین جهانگیر، خود در تزوک جهانگیری از اهدای نسخه‌ای دیگر به خط یاقوت مستعصمی به سیدمحمد در سال ۱۰۲۷ هـ ق یاد کرده است. افزون بر اینها او مصحفی نفیس به خط زین‌العابدین شیرازی را که تاریخ کتابتش ۸۷۶ هـ ق است بر حرر امام رضا (علیه‌السلام) وقف کرد. این امر با توجه به مذهب تسنن شاهان گورکانی هند بسیار شایان توجه است و از احترام و ارادت ویژه‌ای که آنان برای امام رضا (علیه‌السلام) قایل بودند، حکایت می‌کند.

جهانگیر خاصه شیفته خط نستعلیق بود و در آن طبع آزمایی می‌کرد؛ اما چنان که اثر آثارش پیداست در این خط مهارت چندانی نداشت. او با اشتیاق فراوان به جمع‌آوری آثار استادان ایرانی می‌پرداخت و بیش از همه به خط میرعلی هروی علاقه‌مند بود. همو بود که پس از قتل میرعماد به اشارت شاه عباس، بانگ برآورد که اگر شاه عباس میرعماد را به من بخشیده بود هم وزنش مروارید می‌دادم. او به رشیدا، خواهرزاده میرعماد پناه داد و بسیار نوازشش کرد (شیمل، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

شاه جهان، فرزند جهانگیر نیز در خط نستعلیق طبع آزمایی می‌کرد؛ ولی قدرت قلمش به حدی نبود که به قول مهدی بیانی بتوان او را خوشنویس به شمار آورد (مهدی بیانی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۲۸۸). او نیز مانند پدرش به جمع‌آوری مصاحف خطی علاقه‌مند بود.^۷

پسران شاه جهان نیز به خوشنویسی بسیار علاقه‌مند بودند. از میان آنان داراشکوه به نستعلیق علاقه‌مند بود و در آن طبع می‌آموذ. رشیدا، خواهرزاده میرعماد، استاد نستعلیق او بود. داراشکوه در خط نستعلیق بهترین خوشنویس در میان پادشاهان گورکانی بود. او مصحفی برای مزار ولی خود، عبدالقادر جیلانی کتابت کرد که هنوز در آن بقعه در بغداد نگهداری می‌شود^۸ (شیمل، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

اما حمایت اصلی اثر مصحف‌نگاری و گسترش نهایی اسلام در دوره اورنگ‌زیب پدید آمد. اورنگ‌زیب پسر شاه جهان بود و در عهد پادشاهی همو بود که امپراطوری گورکانیان به حد کمال خود رسید (اختر، ۱۳۵۷: ۱۹). اورنگ‌زیب به سال ۱۰۶۹ هـ ق قدرت را در دست گرفت. او خود به خط نسخ علاقه‌مند بود و نسخه‌هایی از قرآن را به این خط نوشت. او در نستعلیق نیز شاگرد سیدعلی تبریزی حسینی جواهر رقم (ف ۱۰۹۴) بود که مانند رشیدا از شاگردان میرعماد به شمار می‌رفت. علاوه بر او دیگرانی نیز در زمینه حمایت از قرآن‌نگاری می‌کوشیدند که تعدد موارد و اسناد به جامانده جزئیات بیشتری از نحوه حمایت آنان به دست می‌دهد.

از نخستین آثار این دوره نسخه‌ای است که مادر

داراشکوه، برادر اورنگ‌زیب به سال ۱۰۶۹ هـ ق - سال به قدرت رسیدن اورنگ‌زیب - به داراشکوه هدیه کرده است. این نسخه پس از قرآن هیبت‌الله حسینی به لحاظ تاریخی دومین نسخه شناخته شده‌ای است که در امپراطوری گورکانی تهیه شد (دیگر آثار در ایران تهیه شده بود). اثر آثاری که اورنگ‌زیب خود مستقیماً در تهیه یا وقف و اهدای آنها دخالت داشت چند مورد را می‌توان نام برد: یکی از آثار متعلق به او نسخه‌ای است به خط ابراهیم سلطان تیموری که به سال ۸۳۰ هـ ق کتابت کرده و اکنون در موزه هنری متروپولیتن نگهداری می‌شود (تصویر ۶). در این نسخه نوشته بلندی است که اورنگ‌زیب به سال ۱۰۴۸ هـ ق به این اثر افزوده است. نسخه دیگری نیز در دست است که پیش‌تر به شاهزاده اعظم شاه و اورنگ‌زیب تعلق داشته و اکنون در کتابخانه سالارچنگ نگهداری می‌شود. این نسخه را حاجی عبدالصمد بن حاجی اشرف عطار کتابت کرده و به سال ۱۱۱۴ هـ ق از سوی غیاث‌الدین به اورنگ‌زیب هدیه شده است. افزون بر اینها به گواهی برخی از نویسندگان، عبدالباقی حداد، خوشنویس برجسته خطوط شش‌گانه ایران، مصحفی سی‌پاره به همراه قطعاتی دیگر از خود به اورنگ‌زیب اهدا کرده است. در این آثار مصحفی مربوط به قرن نهم که عبدالباقی از پدر خویش به ارث برده بود و نیز مصحفی کم‌نظیر به خط نستعلیق به تاریخ ۱۰۳۲ هـ ق وجود داشت (بیانی، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

از آثار به جامانده اثر اورنگ‌زیب در خراسان نیز می‌توان از نسخه‌ای یاد کرد که اورنگ‌زیب بر مزار شیخ احمد جام وقف کرده است. این نسخه که هم اکنون نیز در مزار شیخ احمد جام نگهداری می‌شود در قرن نهم کتابت شده بود و دارای چند صفحه الحاقی به خط محمدبن‌الله قلی تبریزی به تاریخ ۱۱۷۸ هـ ق است (صابر مقدم، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

میراث اورنگ‌زیب به فرزندانش رسید. دختران او، زینت‌النساء و خریب‌النساء حافظ قرآن کریم بودند. پسرانش محمد معظم، محمد سلطان و محمد کامبخش نیز کل قرآن را حفظ کردند؛ اما در زمینه قرآن‌نگاری، زیب‌النساء مهم‌ترین نقش را ایفا کرد. او یکی از شخصیت‌های برجسته در زمینه حمایت از هنر و مذهب و علوم به شمار می‌رود.^۹ مصحفی به خط این بانو در مجموعه ناصر خلیلی وجود دارد. ترقیمه این مصحف آسیب دیده که تشخیص دقیق نام کاتب را دچار مشکل می‌کند؛ اما شواهد بر انتساب آن به خریب‌النساء صحه می‌گذارد. اثر جمله سه یادداشت که کتابت مصحف را به زیب‌النساء منسوب می‌کند. مذهب این مصحف نیز احتمالاً خواهر او، زینت‌النساء یا معلم و استاد تذهیب او، مولانا محمد سعید اصفهانی متخلص به اشرف بوده است.^{۱۰}

۷. مهر او بر دو مصحف به جامانده است. یکی از آنها اثری است به تاریخ کتابت ۹۵۹ هـ ق که اکنون در مجموعه خلیلی نگهداری می‌شود. این اثر مصحف بسیار زیبایی است که گویا به داری‌های شاه طهماسب تعلق داشته و در دوره بعد، از سوی یکی از شاهان یا شاهزادگان صفوی به شاه جهان اهدا شده است. بر صفحاتی از این مصحف چندین مهر و نوشته متعلق به دوره شاه جهان و پس از آن به چشم می‌خورد که نشان دهنده تغییر محل نگهداری اثر است. نام محمدخان نیز در این اثر مشاهده می‌شود که احتمالاً همان کسی است که بعدها در خدمت زینت‌الملک دختر اورنگ‌زیب بوده است (چیمز، ۱۳۸۱: ۱۷۶).

۸. پسر داراشکوه به نام سلیمان شکوه نیز خوشنویس بود که زیر نظر میرمؤمن اکبرآبادی مشکین‌رقم از اهالی آگرا تعلیم گرفت.

۹. او در سال ۱۰۴۸ هـ ق به دنیا آمد و علاوه بر حفظ قرآن به تحصیل صرف و نحو و معانی و سایر علوم همت گمارد. او خطوط نستعلیق و نسخ را نیکو می‌نوشت. مهدی بیانی رشیدا را استاد خط نستعلیق او می‌داند (بیانی، ۱۳۶۳: ۳۹۲). شاعر نیز بود و در شعر «مخفی» تخلص می‌کرد و دیوانی به فارسی دارد (تقدیر، ۵۸۵). عده‌ای وفات او را ۱۱۱۲ هـ ق و برخی دیگر ۱۱۱۳ هـ ق می‌دانند. گویا مرقعی شامل قطعات خوشنویسی و نگارگری از هنرمندان ماوراءالنهر و ایرانی و هندی برای او تهیه شده است (رحیمی‌فر، ۱۳).

۱۰. محمد سعید شاگرد رشیدا بود و برادرزاده محمدباقر مجلسی به شمار می‌رود. او اندکی پس از به قدرت رسیدن اورنگ‌زیب به هند رفت و به سمت معلم بزرگ‌ترین دختر شاه گمارده شد.



تصویر ۳.
ترنج پایانی مصحف
وقفی جهانگیر، کاتب
زین العابدین شیرازی،
تاریخ کتابت ۵۸۷۶ ه.ق،
محل نگهداری:
گنجینه قرآن آستان
قدس رضوی،
مأخذ تصویر: گلچین
معانی، ۱۳۴۷: ۱۴۹.

مشخصات مصحف وقفی جهانگیر بر حرم امام رضا (علیه السلام)

این مصحف را زین العابدین شیرازی، از خوشنویسان فعال در نیمه دوم قرن نهم دس شیراز کتابت کرده است. در این دوره ترکمانان بر شیراز مسلط بودند و حمایت‌های درباری از تولید نسخه‌های چندپاره و نفیس به طرز چشمگیر کاهش یافته بود. زمانی این نکته بهتر مشخص می‌شود که بدانیم تا حدود سال ۸۳۸ ه.ق ابراهیم سلطان تیموری در شیراز با تشکیل یک کارگاه مفضل از هنرمندان و تولید آثار نفیس حمایت می‌کرد^{۱۱} اما در سال ۸۵۰ ه.ق همزمان با درگذشت شاهرخ تیموری، حکومت فارس به دست ترکمانان افتاد. پیش از این هم یعنی در فاصله بین وفات ابراهیم سلطان و درگذشت شاهرخ بسیاری از هنرمندان شیراز به هدف برخورداری از حمایت دربار به هرات کوچیده بودند. اگرچه ترکمانان نیز در حمایت از تولیدات هنری شهرت دارند، اما بیشتر حمایت‌های آنان در پایتختشان، تبریز برقرار بود. با این حال فعالیت‌های هنری شیراز به سبب وجود بازرگانان و متولیان با اندک تغییری در کیفیت و سبک برقرار ماند. زین العابدین شیرازی هنرمند این دوره است. اثر او اطلاعی در دست نیست. نامش در تذکره‌های خوشنویسی ذکر نشده و همچنین آثار شناخته شده‌اش به قدری نیست که بتوان حدودی از چگونگی فعالیت و حیاتش ترسیم کرد. حتی به درستی نمی‌دانیم پس از آموزش و کسب درجه استادی در کجا فعالیت می‌کرده است. از آنجا که این اثر «برسم خزانه... ابوالفتح... حسن بهادر خان» از امرای آق قویونلو تهیه شده است، می‌توان حدس زد او در این دوره در تبریز بوده است. سبک تذهیب اثر نیز به آثار ترکمانان شبیه است. البته نباید فراموش کرد مشابه چنین تذهیبی در شیراز نیز کار می‌شده است. اندازه کوچک و استفاده از قلم‌های ریز اندام در این اثر بر پایه شیوه تولید مصحف‌های خطی در شیراز پس از تیموریان است.

مشخصات کلی اثر چنین است^{۱۲}:

شماره ثبت: ۱۳۷ (گنجینه قرآن)

اندازه: ۲۶×۱۸ سانتی‌متر

خط: متن ریحان زرین محرز و ترجمه فارسی نسخ سیاه

کاتب: زین العابدین بن محمدکاتب شیرازی

تاریخ کتابت: جمادی الاول ۸۷۶ ه.ق

واقف: ابوالمظفر نورالدین محمد جهانگیر

مشخصات نسخه: دوصفحه نخست (فاتحة الكتاب)

مذهب و مرصع با دو کتیبه صدر و ذیل در هر صفحه به رقع سفیداب؛ آغاز سورة بقره از صفحه سوم با سرلوحی ظریف؛ دوصفحه پایانی نیز با حاشیه و کتیبه‌های صدر و ذیل مذهب و مرصع. تمام صفحات مجدول است و سرسوره‌ها مذهب. هر صفحه با احتساب ترجمه، هجده سطر دارد. اندازه جدول ۱۰/۲×۱۵ سانتی‌متر است (گلچین معانی، ۱۳۴۷: ۱۴۷). (تصویر ۳)

۱۱. برای اطلاعات بیشتر نک: مهدی صحرارکد.

«ابراهیم سلطان بانی مدرسه دارالصفای سلطانی شیراز»، گلستان هنر، ش ۱۳، صص ۹۰-۹۳؛ فرانسویس ریشارد. «نصیرالدین سلطانی، نصیرالدین مذهب، و کتابخانه ابراهیم سلطان در شیراز»، ترجمه سید محمد مرعشی، در: نامه بهارستان، ش ۵، س سوم، ۱۳۸۳، صص ۱۳۱-۱۴۰.

۱۲. برای دیدن تصاویر آن نک: مهدی صحرارکد، مجیدفداییان، و محسن عبادی. شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: منتخب قرآن‌های نفیس اثر آغاز تا سده نهم هجری، صص ۲۱۴-۲۱۷.

تصویر ۴. صفحه افتتاح مصحف وقفی جهانگیر، کاتب زین العابدین شیرازی، تاریخ کتابت ۸۷۶ ه.ق، محل نگهداری: گنجینه قرآن آستان قدس رضوی، مأخذ تصویر: صحرارکد و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱۶-۲۱۷.



افزوده‌ها: آغاز و پایان نسخه دو ترنج دارد با متن زیر: ترنج اول: «هذا الكتاب الله المجيد قد سطر برسم خزانة العمارة السلطانية خليفة الله في الارضين آية الطلف و الرحمة للعالمين المؤيد بعون الملك المستعان ابوالفتح مظفرالسلطنة والدنيا والدين حسن بهادر خان خلدالله خلافته و سلطانه و نصر جنوده و اعوانه» و در ترنج دوم: «قد استسعد بتحرير هذا المصحف المنيف المتثال الامر المطاع الشريف العبد الفقير المحتاج الى رحمة الله الملك الغنى زين العابدين بن محمد الكاتب الشيرازي في شهر جمادى الاول سنة ست و سبعين و ثمانمائه الهجرية».

(تصویر ۴)

در صفحات پایانی نیز چند عبارت و ضرب مهر به این شرح نقش بسته است: ۱. «خریارت شد» و خرید آن ضرب مهری بیضی به خط نستعلیق «سعید الانصاری»؛ ۲. در یک مهر مربع به خط نستعلیق «وقف سرکار فیض آثار حضرت ثامن الائمه سلام الله علیه»، ۳. «بتاریخ ۲۹ صفر المظفر زیارت شد سنه ۱۲۸۹»، و خرید آن در مهری

مربع به خط طغرا «سلطان محمد حاجب العتبه العلیه»؛

۴. «بتاریخ شهر رجب المرجب ۱۲۸۷ در عرض کتابخانه مبارکه زیارت شد» و خرید آن ضرب مهری مربع به خط نستعلیق «ابوالقاسم الحسینی». (تصویر ۵ و ۶)

ملاحظات:

الف. خط: متن قرآن به خط ریحان کتابت شده است. مطابق رسم رایج نسخه‌های نفیس متن را با زرحل نوشته و دور حروف را با رنگ سیاه قلم‌گیری کرده‌اند. تحریر (قلم‌گیری) نوشته به مهارت زیادی نیازمند است زیرا هم باید ظرافت کاسر یک نقاش سرا به کار گرفت و هم دانش و مهارت یک خوشنویس سرا؛ به همین علت، گاه

تصویر ۵.

صفحه پایانی مصحف وقفی جهانگیر،

کاتب زین العابدین شیرازی،

تاریخ کتابت ۸۷۶ هـ. ق، محل نگهداری:

گنجینه قرآن آستان قدس رضوی،

مأخذ تصویر: صحراگرد و دیگران،

۱۳۹۲: ۲۱۶-۲۱۷.

کاتبان خود کار تحریر را انجام داده‌اند. البته در این اثر مشخص نشده که محرر چه کسی است ولی به گمان فراوان زین العابدین این کار را انجام نداده است چرا که اگر این‌طور بود در رقم بدان اشاره می‌کرد. خط ریحان متن ویژگی‌هایی خاص دارد که شایان توجه است. اول ضخامت خرید حروف در برابر انداخته آن است که



تذهیب در قرن دهم با اندک تغییراتی به سبک غالب تذهیب نسخه‌های خطی تبدیل شد. صفحات پایانی نسخه که دربردارنده معوذتین است نیز ترکیبی مشابه دارد با این تفاوت که فاقد کمند و شرفه است. زمینه تمام بخش‌های آن به جز متن لاجوردی است.

مأخذ تصاویر:

مهدی صحراگرد، مجیدفداییان، و محسن عبادی. شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: منتخب قرآن‌های نفیس از آغاز تا سده نهم هجری. گلچین معانی، احمد. (۱۳۴۷). راهنمای گنجینه قرآن. مشهد. آستان قدس رضوی.

کتاب نامه

اختر، نسرین. (۱۳۵۷). اورنگ زیب و عصر او، در: وحید، ش ۲۴۰ و ۲۴۱، صص ۱۹-۳۳.

بیانی، مهدی. (۱۳۶۳). *احوال و آثار خوشنویسان*. تهران. علمی و فرهنگی. بیانی، منیژه. (۱۳۸۲). *کهال آراستگی*. ترجمه: پیام بهتاش. تهران. کارنگ بدایونی. (۱۸۲۸ م). *منتخب التواریخ*. کلکته. بی نام. (۱۳۰۷). «خرنان مشهور، زیب النساء بیگم». در: تقدم، ش ۱۰، ص ۵۵۵.

جیمز، دیوید. (۱۳۸۱). *پس از تیمور*. ترجمه: پیام بهتاش. تهران. کارنگ. رحیمی فر، مهناز. «برخی از زنان خوشنویس». در: *موزه‌ها*، صص ۱۳-۱۶. شیمل، آن ماری. (۱۳۸۲). *خوشنویسی و فرهنگ اسلامی*. ترجمه: اسدالله آزاد. مشهد. آستان قدس رضوی. صابر مقدم، فرامرز. (۱۳۸۳). *مجموعه معماری آرامگاهی مزار شیخ احمد جام*. تهران. سنبله.

علی‌شاه رضوی، سید هدایت. (۱۳۸۷). «تاریخ سیاسی اجتماعی بابریان هندوستان». در: *سخن تاریخ*، ش ۳، صص ۷۴-۹۳. غروی، مهدی. (۱۳۴۹). «حمیده بانو بیگم همسر همایون پادشاه و نواده احمد ژنده پیل». در: *یغما*، ش ۲۵۹، صص ۳۹-۴۲. گلچین معانی، احمد. (۱۳۴۷). *راهنمای گنجینه قرآن*. مشهد. آستان قدس رضوی.

_____ (فروردین ۱۳۴۴). «نفایس کتابخانه آستان قدس رضوی: مصحف بابری». *نامه آستان قدس*، ش ۲۰، صص ۶۰-۶۴. مایل هروی، نجیب. «کتابی نه سمنزاری دل‌ویز». در: آن ماری شیمل. همان، صص ۷-۲۲. مبین، ابوالحسن. (بهار ۱۳۸۷). «تذکره همایون و اکبر». در: *آیین میراث*، س ششم، ش ۱، صص ۳۱۹-۳۲۹.

Lings, martin & safadi, yasin hamid. *Quran (catalogue of an exhibition of Quran manuscripts at the British library, London, 1976.*

علت آن بیشتر به سبب تحریر خط است چرا که رنگ مشکی دور، کلمات را برجسته کرده است. بخشی دیگر از این ویژگی به نحوه رعایت تناسب از سوی کاتب نیز مربوط است که کلمات را به نسبت اندازه حروف کمی چاق نوشته است. البته این امر بیشتر به سبک کاتب مربوط است و بدان معنا نیست که خط خارج اثر اصول و قاعده است. این ویژگی خرمانی بهتر درک می‌شود که خط ریحان این اثر را با مصحف معروف ابراهیم سلطان در همین مجموعه مقایسه کنیم. در کار ابراهیم سلطان، کلمات ظرافت و کشیدگی بیشتری دارند. ویژگی دیگر خط آن کوتاهی حروف عمودی است. معمولاً در خط ریحان، الف‌ها بلندتر و کشیده‌تر از خط ثلث یا نسخ کتابت می‌شود. این کشیدگی الف‌ها ویژگی بارز ریحان و محقق است؛ زیرا در اصول این قلم‌ها اندازه الف دو نقطه بلندتر از الف در ثلث است. اما در این اثر تناسب اندازه حروف عمودی نسبت به اندازه قلم و دیگر حروف مشابهت زیادی به ثلث دارد. اعراب و علایم ریحان را با رنگ سیاه نوشته‌اند. شاید بدان علت که در ریحان معمولاً اعراب را با قلمی ظریف‌تر می‌نوشتند و در اینجا برای اینکه وقت کمتری صرف این کار شود با همان قلمی که ترجمه را نوشته‌اند متن را نیز اعراب‌گذاری کرده‌اند. خط نسخ ترجمه نیز همانند متن استادانه است و سبکی خاص دارد. کاتب در نوشتن برخی از حروف گردش کمی به کار برده و خط، خشک و مسطح شده است؛ مثلاً در نحوه نوشتن «د» متصل. ترجمه متن بدون توجه به قواعد سطر و سواد و بیاض مستقیماً زیر هر کلمه عربی نوشته شده است.

ضمایم نسخه به خصوص سرسوره‌ها را به قلم رقاع رنگه نویسی کرده‌اند؛ گاه به سفیداب، گاه به زنگار و گاه به شنجرف و زر.

تذهیب و تزیینات: دو صفحه افتتاح نسخه به سوره فاتحه الکتاب اختصاص دارد که در هر صفحه سه سطر کتابت شده است. این صفحات مجلل‌ترین و پرکارترین صفحات نسخه است. بالا و پایین متن دو کتیبه بازوبندی است که در آن نام سوره و تعداد آیات را به رقاع سفید نوشته‌اند. بخش میانی هر صفحه سه قاب دارد که بخش بالا به دو کتیبه یاد شده با تزیینات اسلیمی و ختایی مربوط است و قاب میانی متن قرآن است. دور این بخش‌ها جدول پهنی است که درون آن ترنج‌هایی با نقوش ختایی بر زمینه اخرا نقش بسته و دور همه آنها را کمندی نسبتاً پهن با زمینه لاجوردی و نقش واگیره‌ای اسلیمی و ختایی در بر گرفته است. دور کمند را نیز با شرفه‌های لاجوردی تزیین کرده‌اند. تزیینات خرمینه هر بخش ترکیبی از نقوش اسلیمی و ختایی است. اسلیمی‌ها به رنگ اخرا و گل‌ها و ساقه‌های ختایی با رنگ‌هایی متفاوت از سبز و زرد و لاجوردی و سفید است. این سبک